

تحولات سیاسی در ترکمنستان و تاثیرات آن در ایران

ماشاله رزمی

با درگذشت سفرمراد نیازوف رئیس جمهور دائم العمر ترکمنستان در بیست و یکم دسامبر ۲۰۰۶ یک خلاء سیاسی بزرگ در این کشور ایجاد شده است که کشورهای دارای منافع در ترکمنستان و همسایگان آن هر یک سهم خود می‌کوشند این خلاء را بنفع خود پر کنند. ترکمنستان با پنج میلیون نفر جمعیت و چهارصد و هشتاد و هشت هزار کیلومتر مربع مساحت، مابین آمودریا و دریای خزر قرار گرفته که هشتاد در صد خاک آنرا صحرای گبی اشغال کرده و با داشتن پنجمین ذخایر بزرگ گاز طبیعی دنیا یکی از نقاط ژئواستراتژیک بسیار مهم آسیای مرکزی است.

نیازف که خود را ترکمن باشی می‌نامید ولی از طرف مخالفانش به فرعون آسیای مرکزی ملقب شده بود در سال ۱۹۴۰ در یک خانواده فقیر بدنیا آمد. پدرش در جنگ جهانی دوم کشته شد و مادرش نیز در زلزله بزرگ عشق آباد در سال ۱۹۴۸ زیر آوار ماند باین ترتیب نیازوف از هشت سالگی تحت سرپرستی حزب کمونیست اتحاد شوروی قرار گرفت. در لنین گراد مهندس شد و مدارج ترقی را در حزب کمونیست طی کرد و در دوره گرباچف دبیر اول حزب کمونیست ترکمنستان شد و بدینسان عملاً از سال ۱۹۸۵ اداره امور ترکمنستان را در دست گرفت. وی مخالف استقلال ترکمنستان بود ولی بعد از انحلال اتحاد شوروی، در سال ۱۹۹۲ در اولین و آخرین انتخابات سراسری ترکمنستان به ریاست جمهوری انتخاب شد که بعدها شورای خلق ترکمن که از ۲۵۰۷ نماینده تشکیل شده و عالی ترین نهاد قانون گذاری کشور محسوب می‌شود نیازوف را رئیس جمهور دائم العمر تعیین کرد.

با مرگ دیکتاتور، دیکتاتوری از بین نمی‌رود. برای از بین بردن دیکتاتوری احزاب سیاسی ریشه دار در جامعه، جامعه مدنی نهادینه شده و فرهنگ عمومیت یافته دموکراسی و طبقه متوسطی که عزم دفاع از دموکراسی را داشته باشد لازم است که متاسفانه ترکمنستان امروز فاقد تمامی این شروط می‌باشد. آشکار است که با وضعیت موجود آمادگی مردم برای تاثیر گذاری در سیاست

آینده کشور در حداقل است و سرنوشت قدرت نه در خیابان‌ها و نه حتی در یکی از پنج ایالت ترکمنستان بلکه در حلقه تنگ قدرتمداران و کاخ نشین‌ها تعیین خواهد شد.

نیازوف با ایجاد کیش شخصیت، بیست و یک سال تمام با مشت آهنین بر ترکمنستان حکومت کرد بطوری که روشنفکران ترکمن می‌گفتند، شما نه در یک کشور مستقل بلکه در ملک شخصی نیازوف هستید. ترکمنستان چهارمین کشور تولید کننده گاز طبیعی و دومین کشور تولید کننده پنبه در دنیا است ولی طبق آمار سازمان ملل شصت در صد مردم ترکمنستان در زیر خط فقر زندگی می‌کنند زیرا در آمد سرشار کشور در انحصار نیازوف و نزدیکان او بود و بخش عمده آن صرف ساختن کاخهای عظیم و مجسمه‌های غول پیکر نیازوف و سایر تجملات غیر ضروری شده و یا به حساب‌های شخصی در بانک‌های اروپائی سپرده شده است و میراث باقی مانده از نیازوف کشوری منزوی در جهان و جامعه‌ای عقب مانده با مردمان فقیر است. بعد از انحلال اتحاد شوروی، کادر دولت در ترکمنستان دست نخورده باقی ماند و فقط نام حزب را عوض کردند و مافیائی که در درون حزب شکل گرفته بود اینبار بدون نظارت مسکو همه کاره کشور شد. در حال حاضر مافیا به غیر از درآمدهای نفت و گاز، در آمد هنگفتی نیز از طریق ترانزیت مواد مخدر افغانستان از خاک ترکمنستان بدست می‌آورد.

با درگذشت نیازوف جنگ قدرت در سه عرصه شروع شده است که عبارتند از : جنگ مابین باندهای موجود در قدرت که جانشین نیازوف شده اند، مبارزه اوپوزیسیون با کسانی که قدرت را در دست گرفته اند و رقابت قدرت‌های بزرگ جهان برای گرفتن سهم بیشتر از ثروت ترکمنستان.

نیازوف مدتها بود که از مرض دیابت رنج می‌برد ولی مرگ او بر اثر سکته قلبی در شصت و پنج سالگی غیر منتظره بود بدینجهت شایع شده است که او را مسموم کرده اند. حاکم مطلق العنان ترکمنستان جانشینی برای خود تعیین نکرده بود. مراد نیازوف پسر سی و یک ساله او از مادر روس توسط پدر طرد شده و در مسکو ساکن است. او زبان ترکمنی نمی‌داند ولی قانونا وارث ثروت بی حساب نیازوف است بویژه سپرده هنگفتی که در بانکهای اروپائی از آنجمله در دویچه بانک آلمان گذاشته شده. نیازوف از سالها پیش جدا از زنش زندگی می‌کرد و همسر او نیز نقشی در قدرت نداشت. او به هیچکس اعتماد نداشت، اطرافیان خود را زود به زود عوض می‌کرد که کار اغلب آنان به زندان میکشید. سازمان عفو بین الملل در بین ۱۶۹ کشور جهان، ترکمنستان را

در نقض کامل حقوق بشر بعد از کره شمالی دومین کشور دنیا می‌شناسد که حقوق بشر در تمامی عرصه‌ها در آنجا پایمال میشود.

خبر درگذشت نیازوف را معاون نخست وزیر و وزیر بهداری ترکمنستان قربان قلی بردی محمداف اعلام کرد. طبق سنت اتحاد شوروی سابق هر کس مراسم تدفین رهبر را اداره بکند عملاً جانشین او می‌شود بدنجهت شورای خلق ترکمن سه روز بعد از درگذشت نیازوف در یک جلسه فوق العاده تاریخ انتخابات را یازدهم فوریه ۲۰۰۷ اعلام کرد و پنج نفر را نیز بعنوان کاندید ریاست جمهوری معرفی نمود و بردی محمداف را شایسته‌ترین آنها نامید و از وی حمایت کرد بعداً یک نفر دیگر به کاندیداها اضافه شد تا از هر ایالت ترکمنستان یک کاندید شرکت داشته باشد.

طبق قانون اساسی ترکمنستان، آتایف رئیس مجلس می‌بایست تا انتخاب رئیس جمهور جدید، پست ریاست جمهوری موقت را بعهده بگیرد ولی در جنگ نهانی که در میان جانشینان در جریان است اعلام شد که رئیس مجلس باتهام سوء استفاده مالی تحت تعقیب است و کنار گذاشته شده و بدینسان قربان قلی بردی محمداف پست ریاست جمهوری موقت را تصاحب کرد و در حضور نمایندگان اعلام نمود که راه نیازوف را ادامه خواهد داد. نیازوف تا روز مرگ پست‌های ریاست جمهوری، نخست وزیری، رهبری تنها حزب یعنی حزب دموکراتیک ترکمنستان و فرماندهی کل قوای مسلح را در اختیار خود داشت و قربان قلی بردی محمداف بعنوان معاون نخست وزیر و فرد مورد اعتماد نیازوف عملاً شخص دوم مملکت محسوب می‌شد. یک هفته بعد از مرگ نیازوف یعنی ۲۷ دسامبر ۲۰۰۶ آقا گلدی محمد گلدی اوف وزیر دفاع ترکمنستان نیز دستگیر شد و جنگ قدرتی که در نهان جریان داشت، برای عموم آشکار گردید.

قربان قلی بردی محمد اوف دندانپزشک و پزشک مخصوص نیازوف بود ۴۹ سال دارد و در میان اوپوزیسیون شایع است که پسر نتنی نیازوف است. او که از طرف روزنامه‌های روسی به عالیجناب خاکستری شهرت یافته طی هفت سال گذشته که مجری دستورات نیازوف بود از تمام تصفیه‌های حکومتی جان سالم بدر برده و اغلب برنامه‌های ارتجاعی نظیر بستن درمانگاههای روستائی و بیمارستانها توسط او انجام گرفته. از هم اکنون آشکار است که قربان قلی بردی محمداف رئیس جمهور آینده ترکمنستان است زیرا شورای خلق حمایت خود را از وی اعلام کرده و

گارد ریاست جمهوری و سازمان امنیت و وزارت کشور پشت سر او قرار دارند و اعلام کرده اند که نظم و آرامش را با قدرت تمام حفظ خواهند کرد.

نیازوف هیچ انتقادی را قبول نمی‌کرد و طی سالیان گذشته اوپوزیسیون را بیرحمانه قلع و قمع کرده است. در داخل کشور اوپوزیسیون بمعنی واقعی کلمه وجود ندارد و اوپوزیسیون خارج کشور نیز بشدت پراکنده است. از طرف اوپوزیسیون دونفر کاندید ریاست جمهوری شده اند که یکی از آنها نوربردی محمد اوف رهبر حزب آغازی بیرلیک (هم رایی) است که سال‌های زیادی را باتهام تدارک کودتا علیه نیازوف در زندان بوده و گفته می‌شود که بعد از کاندیدشدن هم دوباره دستگیر شده است. شخصیت‌های دموکرات ترکمن در خارج کشور از وی پشتیبانی می‌کنند ولی او هیچ امکان عرض اندام ندارد.

حزب وطن و حزب جمهوری نیز که در خارج از کشور فعال هستند مشترکا خداوردی آرازوف نخست وزیر سابق و رئیس سابق بانک مرکزی ترکمنستان را بعنوان کاندید معرفی کرده اند. او اعلام کرده بود که می‌خواهد به ترکمنستان باز گردد و یکی از شرکتهای هوایی نیز حاضر بود هواپیمائی برای بازگشت اوپوزیسیون خارج کشور در اختیار آنها بگذارد ولی مقامات امنیتی ترکمنستان اعلام کردند که مرزها بسته شده و به هواپیمای یاد شده اجازه فرود داده نخواهد شد. آرازوف از حمایت تلویحی بعضی از کشورهای خارجی برخوردار است که وی را مناسب ترین فرد برای رهبری یک انقلاب مخملی در ترکمنستان تشخیص داده اند. نظر باینکه اوپوزیسیون ارتباط واقعی با مردم ندارد و مردم نیز آماده حاضر شدن در صحنه نیستند لذا بین قدرت حاکم و اوپوزیسیون هیچ تناسب قدرتی وجود ندارد و اوپوزیسیون شانسی در انتخابات آینده نخواهد داشت. با اینهمه اغلب رهبران اوپوزیسیون در گذشت نیازوف را بفال نیک می‌گیرند و امیدوارند که در آینده فضای سیاسی باز شود و از هم اکنون نشانه‌هایی نمودار شده است. در سال ۱۹۹۲ نیازوف تنها کاندید ریاست جمهوری بود ولی اکنون هشت نفر نامزد شده اند و غیر از عکس‌های نیازوف تصاویر دیگری را نیز می‌توان بر دیوارها و صفحات تلویزیونها مشاهده کرد. اوپوزیسیون ترکمنستان که در اوکراین فعال هستند اعلام کرده اند اگر انتخابات دموکراتیک نباشد دولت را سرنگون خواهند کرد.

در ژئوپلیتیک یک قانون نا نوشته ولی همیشه جاری وجود دارد که بر اساس آن هر کشوری که منافعی در کشور دیگر داشته باشد ضمن حفظ روابط دوستانه با آن از اوپوزیسیون آن کشور نیز بطور محرمانه حمایت می‌کند و اگر اوپوزیسیون وجود نداشته باشد آنرا بوجود می‌آورد و در هر صورت اهرم و ستون پنجمی در آن کشور درست می‌کند تا در موقع لزوم آنرا بکار گیرد. می‌دانیم که در حال حاضر کشورهای زیادی منافع کلان در ترکمنستان دارند. از این روی آرامش فعلی در ترکمنستان می‌تواند آرامش قبل از طوفان باشد.

در قرن نوزدهم آسیای مرکزی میدان رقابت خونین سه قدرت بزرگ آنروز یعنی انگلستان، روسیه و آلمان بود که در تاریخ، این رقابت‌ها به بازی بزرگ معروف شده است و اکنون نفت و گاز طبیعی ترکمنستان زمینه رقابت بزرگتری را فراهم می‌کند که بازیگران عمده آن ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه و چین هستند. پای ایران نیز در هر رقابتی بمیان کشیده خواهد شد زیرا ایران یکی از طرفهای تجاری اصلی ترکمنستان است.

از سال ۱۸۸۵ که ترکمنستان تحت عنوان ماوراء خزر ضمیمه امپراطوری روسیه تزاری شده تا به امروز روسها اقتصاد ترکمنستان را در دست یا تحت کنترل خود داشته اند. نفت و گاز ترکمنستان توسط روسها کشف و استخراج شده است و در طول دهه‌های گذشته گاز آنجا بوسیله خط لوله به روسیه منتقل می‌شده هم اکنون نیز کمپانی عظیم گازپروم روسیه عمده ترین خریدار گاز ترکمنستان است. ترکمنستان سالیانه شصت میلیارد متر مکعب گاز به روسیه و ده میلیارد متر مکعب به ایران صادر می‌کند. گازپروم، گاز را از ترکمنستان از قرار هر هزار متر مکعب به چهل و شش دلار می‌خرد و به دو برابر قیمت خرید به کشورهای تازه استقلال یافته و به سه برابر آن به اتحادیه اروپا می‌فروشد. گاز فروخته شده به ایران نیز در مناطق شمالی ایران مصرف می‌شود و در عوض ایران معادل آنرا از جبوب صادر می‌کند. قسمتی از نفت ترکمنستان نیز بوسیله کشتی از ترکمنستان به بندر نکا در مازندران حمل می‌شود تا معادل آن از جنوب ایران صادر شود.

با افزایش مصرف انرژی در آسیا بویژه در هندوستان و چین، مساله صدور نفت و گاز آسیای مرکزی از طریق ایران طرفداران زیادی پیدا میکند زیرا اگر خط لوله باکو – جیهان انتقال نفت به اروپا را تسهیل می‌کند در عوض صدور نفت آسیای مرکزی و قفقاز به هند وستان و چین از

مدیترانه بسیار گران تمام می‌شود بهمین منظور صدور هیدروکربور آسیای مرکزی از طریق ایران فعلا با صرفه تر است. البته چین راه دیگری نیز پیدا کرده است یعنی در حال کشیدن خط لوله عظیمی از کازاخستان به چین است. نفت و گاز ترکمنستان نیز از راه همین خط قابل انتقال خواهد بود و در سفر نیازوف به چین در ماه آوریل سال ۲۰۰۶ قرارداد بستند که بر اساس آن ترکمنستان سالیانه سی میلیارد متر مکعب گاز بمدت سی سال به چین خواهد فروخت.

هم اکنون خط لوله باکو – جبهان براه افتاده است و اروپائی‌ها علاقمند هستند که آسیای مرکزی را نیز از طریق یک خط لوله زیر دریائی به باکو وصل کنند ولی بنظر می‌رسد که خط لوله کازاخستان به چین پروژه خط لوله زیر دریا را تحت الشعاع قرار خواهد داد. ایران باین دلیل که نظام حقوقی دریای خزر هنوز تعیین نشده است با احداث این خط مخالفت می‌کند و موضع شخصی نیازوف نیز گاهی متمایل به موضع روسیه و گاهی متمایل به ایران بود که البته هر دو با خط لوله مخالف بودند زیرا روسیه بهیچوجه حاضر نیست موقعیت انحصاری خود را در ترکمنستان از دست بدهد و بدینجهت مساله محیط زیست دریای خزر را مطرح می‌کند. با مرگ نیازوف بعضی از سیاستمداران اروپائی امیدوار شده اند که بتوانند در آینده ترکمنستان را از موضع ایران و روسیه دور بکنند ولی فعلا منتظرند تا موضوع جانشینی نیازوف حل شود تا آنها پیشنهادات حاضر و آماده خود را ارائه بدهند. روزنامه لوموند دو روز بعد از مرگ نیازوف نوشت که اروپائی‌ها فعلا از اوپوزیسیون حمایت نمی‌کنند تا در مذاکرات بعد از انتخابات برای بستن قراردادهای تازه مشکلی نداشته باشند.

پروژه دیگری نیز آمریکائی‌ها از مدتها قبل و بلافاصله بعد از انحلال اتحاد شوروی داشتند که خط لوله‌ای از طریق افغانستان و پاکستان احداث کنند و نفت و گاز آسیای مرکزی را به اقیانوس هند برسانند و یکی از دلایل اقتصادی حمله آمریکا به افغانستان هم تحت کنترل در آوردن مسیر همین خط لوله بود ولی پیروزی برق آسای اولیه آمریکائی‌ها در افغانستان بعد از چهار سال اکنون به شکست منجر شده است و نه تنها افغانستان امن نشده بلکه بخشهایی از پاکستان نیز ناامن شده است.

با توجه به پروژه‌های موجود برای استفاده از گاز و نفت آسیای مرکزی و وجود پروژه پنج خط لوله یعنی خط لوله فعلی دایر به روسیه، خط لوله‌ای که چین احداث می‌کند، خط لوله موجود ایران

در سرخس که به راحتی قابل وصل به خطوط ترکمنستان است، خط لوله‌ای که اروپائی‌ها می‌خواهند از زیر دریای خزر بکشند و خط لوله مورد نظر آمریکائی‌ها از طریق افغانستان که شرکت‌های نفتی آمریکائی سال‌ها پیش نقشه برداری مسیر آنرا تمام کرده اند، اهمیت استراتژیک انرژی موجود در آسیای مرکزی و مشخصا گاز ترکمنستان بیشتر آشکار می‌شود بدینجهت رقابت‌های آشکار و نهان تشدید خواهد شد زیرا ایران و روسیه از وضع موجود و ادامه سیاستهای نیازوف حمایت می‌کنند ولی آمریکا و اروپا خواهان تغییر وضع هستند.

گاز مصرفی اروپا از ترکمنستان تامین می‌شود و آمریکائی‌ها نیز از یک طرف پروژه خط لوله از طریق افغانستان را دنبال می‌کنند و از طرف دیگر می‌خواهند روسها را عقب بزنند و حضور بیشتری در مرزهای شمالی ایران داشته باشند. آنها در ضمن نگران رشد اسلامگرایی در ترکمنستان نیز هستند. بنوشته مجله معتبر اکونومیست چاپ لندن، احتمال دارد جمهوری اسلامی ایران و بنیادگرایان افغانستان از خلاء موجود استفاده بکنند و نفوز خود را در ترکمنستان افزایش بدهند. از این روی هر سیاستی که آمریکا و اروپا در مورد ترکمنستان اتخاذ بکنند یکطرف آن خنثی کردن نقش ایران در آنجا و تکمیل محاصره و تحت فشار گذاشتن جمهوری اسلامی خواهد بود.

آمریکا برای مبارزه با اسلامگرایان افغانستان، یک پایگاه نظامی در ترکمنستان مستقر کرده است و اگر دولت جدید بخواهد از انزوا خارج شود و مشخصا به آمریکا نزدیک شود، فشار سیاسی – اقتصادی از سمت ترکمنستان نیز بر جمهوری اسلامی افزایش خواهد یافت.

علاوه بر فشارهای سیاسی و اقتصادی و تهدیدهای نظامی، ایران دارای یک اقلیت قابل توجه ترکمن است. ترکمن‌های ایران طی پانزده سال اخیر که جنبش‌های ملی در ایران رو به اعتلاء بوده، نسبت به سایر اقلیت‌های ملی کمتر فعال بوده اند و بویژه در چند سال گذشته که اعتراضات و شورش‌های مناطق ملی مشکل عمده حکومتگران جمهوری اسلامی بوده، ترکمن‌ها علیرغم پیشگام بودنشان در مبارزه با جمهوری اسلامی در سال اول انقلاب، در چند سال گذشته حرکت ملی چشمگیری نداشته اند. یکی از علل این کم تحرکی را می‌توان ناشی از سرکوب خونین کانون سیاسی فرهنگی خلق ترکمن در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) دانست که قتل دسته جمعی رهبران خلق ترکمن بدستور مستقیم آیت اله خمینی از آن جمله بود. علت دیگر، همکاری همه جانبه دولت

ترکمنستان با جمهوری اسلامی و جلوگیری از فعالیت سیاسی ترکمن‌های ایرانی در جمهوری ترکمنستان است. ملل غیر فارس ایرانی هرکدام همزبانانی در آنسوی مرزهای ایران دارند که دارای دولت و فرهنگ مستقلی هستند. این دولت‌ها حتی اگر هیچ حمایتی از همزبانان خودشان در داخل ایران نداشته باشند صرف حضور معنوی و فعالیت فرهنگی این دولت‌ها انگیزه ملی و ایده مبارزه برای آرمان‌های ملی را تقویت می‌کند. این تاثیر از طرف ترکمنستان بر ترکمن‌های ایران محسوس نبوده زیرا ترکمنستان نیازوف، اولگوی مناسبی برای یک جنبش ملی مترقی و مدرن در ترکمن صحرا نبوده است.

کارشناسان منطقه از یک فاجعه فرهنگی، شدید تر از انقلاب فرهنگی چین منتهی در حد کشور کوچک ترکمنستان صحبت می‌کرد. برای درک عمق فاجعه اشاره به این نکته کافی است که ترکمنستان در سال انحلال اتحاد شوروی سیصد هزار دانشجو داشت، این تعداد اکنون به چهل هزار نفر کاهش یافته است. نیازوف کتابی بنام «روحنامه» نوشته و خواندن این کتاب را در تمام رده‌های تحصیلی اجباری کرده است. کلیه مدارس غیر ترکمنی بسته شده و شرایطی برای تشکیل کلاسهای غیر ترکمنی گذاشته شده است که عملاً تشکیل آنها را غیر ممکن کرده است با بسته شدن مدارس و دانشگاهها تمام استادان خارجی و متخصصین از ترکمنستان رفته اند و کارشناسان آموزشی نگران پائین آمدن سواد عمومی محصلین هستند. سن آموزش اجباری که قبلاً دوازده سال بود به ده سال کاهش یافته است. کتاب سیاسی - اخلاقی «روحنامه» معادل قرآن گرفته شده و خود نیازوف نیز در حد پیغمبر اسلام. چندسال پیش نیازوف طی فرمانی پخش برنامه‌های باله، اوپرا و موزیک مدرن را از رادیو و تلویزیون ممنوع اعلام کرد و تمام مدارس و دانشگاههایی که کارشان پرورش هنر و هنر مند بود بسته شدند. عجیب اینکه همه این کارها بنام دفاع از فرهنگ ترکمنی و مبارزه با فرهنگ‌های بیگانه صورت می‌گرفت از جمله نیازوف کلیه مدارک تحصیلی را که خارج از ترکمنستان گرفته شده بود بی اعتبار اعلام کرد.

ترکمن‌ها ملتی کهن سال با فرهنگی اصیل هستند و نوادگان بلافصل اوغوزها می‌باشند. اصطلاح ترکمن و یا ترکمان از قدیم به ترکان اوغوز گفته می‌شد و همچنین بمعنی ترک اصیل بکار می‌رفت و بعد از قرن دهم میلادی هم برای نامیدن ترک مسلمان متداول شده است که قرن‌ها کنترل جاده ابریشم در دست ترکمن‌ها بوده است.

ترکمنستان تنها کشوری است که خواندن و نوشتن در آنجا بزبان ترکمنی می‌باشد بدینجهت تمام ترکمنهای دنیا برای بقای فرهنگ خودشان چشم امیدشان را به ترکمنستان دوخته اند اماشرایطی که دولت نیازوف ایجاد کرده بهیچوجه شایسته و جوابگوی نیاز زندگی مدرن در دنیای امروز نمی‌باشد زیرا هویت یابی بمعنی بازگشت به گذشته نیست.

با مرگ ترکمن باشی پدر بد ترکمن‌ها، شانس دموکراتیزاسیون جامعه ترکمن افزایش می‌یابد و چنین تحولی تأثیرات معینی نیز در ایران خواهد داشت زیرا کشوری که از هر طرف بوسیله نظام‌های دیکتاتوری احاطه شده باشد، حکومت آن کشور هم دیکتاتوری را در حیطه عمل خود توجیه خواهد کرد و بهمین طریق هر گشایش دموکراتیک در کشورهای همجوار نیز موجب رشد نیروهای دموکرات در آن کشور خواهد شد